

بررسی نقش کمیسیون علم و فناوری برای توسعه شورای اقتصادی و اجتماعی

سازمان ملل در قرن ۲۱ با تمرکز بر توسعه پایدار

دکتر امیر نظام براتی^۱ / بهروز خوارزمیان^۲ / فرزاد کریمی^۳ / آریا شفقت رودسری^۴

۱

کمیسیون علم و فناوری برای توسعه یکی از نهادهای وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می باشد. این سازمان در سال ۱۹۹۲ و در نتیجه بازسازی و احیاء مجدد سازمان ملل در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سایر حوزه های مرتبط بوجود آمد. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش محوری کمیسیون علم و فناوری برای توسعه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قرن ۲۱ با تمرکز بر توسعه پایدار می پردازد.

یافته های این پژوهش بیانگر این است که در این بازسازی مجدد، مجمع عمومی، کمیته بین دولتی علم و فناوری برای توسعه منحل و با کمیسیون علم و فناوری برای توسعه جایگزین شد. اولین جلسه کمیسیون در آوریل ۱۹۹۳ در کشور آمریکا و شهر نیویورک تشکیل شد. از جولای ۱۹۹۳ دبیرخانه آنکتابد مسئول ارائه خدمات به کمیسیون بوده است. به دنبال آن کمیسیون جلسه خود را در ژنو سوئیس تشکیل داد. در نهایت اینکه دلیل تاسیس این کمیسیون این بود که توصیه هایی در سطح بالا از طریق ارائه تحلیل و توصیه های سیاست گذاری مناسب، در خصوص مسائل مرتبط برای مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل ارائه دهد. تا این ارگان ها بتوانند سازمان ملل را برای انجام فعالیت های آینده و توسعه پایدار و توافق درباره اقدامات مناسب راهنمایی نماید.

این کمیسیون در راستای تحقق اموری از قبیل، رسیدگی به مسائل مربوط به علم و فناوری و کاربردهای آن ها در توسعه، بهبود درک سیاست های مربوط به علم و فناوری به خصوص در

^۱ دکتری حقوق و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و کمیسر دریایی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

^۳ عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و کمیسر دریایی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

^۴ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

رابطه با کشورهای در حال توسعه و قاعده مند نمودن و تنظیم توصیه ها و خطوط اصلی مربوط به موضوعات علم و فناوری در سیستم سازمان ملل فعالیت می کند.

واژگان کلیدی: کمیسیون علم و فناوری برای توسعه، توسعه پایدار، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

نقش یونسکو در پیشبرد اهداف منشور ملل متحد

علی حاجیلاری^۱

۳

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) یکی از مهمترین کارگزاری های تخصصی سازمان ملل است. ارتباط یونسکو به عنوان یک کارگزاری تخصصی با بدنه ی سازمان ملل و شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، توسط منشور ملل متحد در فصل نهم (ماده ۵۷) و فصل دهم (ماده ۶۳)، تبیین و تشریح شده است. طبق ماده ی ۶۳ منشور ملل متحد، "شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند با هریک از کارگزاری های تخصصی سازمان ملل (مورد اشاره در ماده ی ۵۷) به توافق رسیده و براساس آن موافقتنامه، شرایطی را که کارگزاری مورد نظر می بایستی طبق آن با سازمان ملل رابطه داشته باشد، بیان نماید". ماده ی ۱۰ اساسنامه یونسکو نیز تصریح نموده این سازمان می بایستی بعنوان یکی از کارگزاری های مورد اشاره در ماده ی ۵۷ منشور ملل متحد، رابطه ی خود را به محض تاسیس، با سازمان ملل برقرار نماید. براساس ماده ی ۴ اساسنامه، این سازمان می بایستی درخصوص ابعاد آموزشی، علمی و فرهنگی موضوعات مورد نظر سازمان ملل متحد مشاوره ارائه کند.

ایده ی اصلی تاسیس یونسکو در واقع ارتقاء و ترویج صلح از طریق اعتلای تفاهم و همکاری بین المللی در حوزه های نرم سیاست می باشد. بنا به تصریح بند اول اساسنامه ی یونسکو هدف از تشکیل این سازمان، عبارت است از کمک به استقرار صلح و امنیت در جهان از طریق ترویج همکاری میان ملت ها در حوزه های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات به منظور افزایش احترام همگانی به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه، بدون توجه به تفاوت های نژادی، جنسیت، زبان و مذهب، مطابق با منشور ملل متحد. اساسنامه ی یونسکو همچنین صراحت دارد که تجربه ی بشر نشان داده است، تنها تمهیدات سیاسی و اقتصادی برای ایجاد صلح پایدار و آنچه لازمه ی تحقق عدالت و کرامت انسانی است، کفایت نمی کند و اشعار می دارد، همانگونه که جنگ در ذهن انسانها آغاز می شود، دفاع از صلح نیز باید ابتدا در اذهان انسان ها شکل بگیرد.

^۱ راین سابق نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد یونسکو - پاریس، دانشجوی دکتری مطالعات اروپا - دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

با مطالعه ی منشور ملل متحد، در می یابیم که اهداف یونسکو در واقع انعکاس اهداف مندرج در منشور است. لذا باید گفت رسالت اصلی یونسکو به عنوان یکی از مهمترین کارگزاری های تخصصی سازمان ملل متحد، تلاش برای پیشبرد اهداف منشور ملل متحد از طریق حوزه های تحت صلاحیت این سازمان یعنی آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات است.

یونسکو برای اینکه بتواند اهداف خود را در قرن بیست و یکم تحقق بخشد، می کوشد چالش ها و پیامدهای جهانی شدن را با همه پیچیدگی هایش درک کند و به تعیین راهبردها و خط مشی هایی از مواضع فرارشته ای، میان رشته ای و بین فرهنگی پردازد که همگان - به ویژه کشورهای توسعه نیافته و کشورهای محروم جامعه - از دستاوردهای آن بهره مند شوند.

یونسکو در راستای تحقق اهداف منشور ملل متحد، به عنوان آزمایشگاه ایده ها و کانون هنجارسازی بین المللی، به صورت بندی مسائل فکری، هنجاری و اخلاقی از طریق تدوین دستورالعمل ها، توصیه ها و کنوانسیون های بین المللی می پردازد. این سازمان همچنین نقش یک مرکز مبادله ی اطلاعات را ایفا نموده و به گردآوری و اشاعه ی بهترین تجربیات کشورها در حوزه های تحت صلاحیت خود می پردازد. یونسکو همچنین یک نهاد ظرفیت ساز و تسهیل کننده همکاری های بین المللی به شمار می آید و از طریق دفاتر میدانی خود در سراسر جهان به ایفای نقش می پردازد.

از سوی دیگر با توجه به تحول مفهوم صلح و امنیت بین المللی و نیز چالش ها و پیامدهای جهانی شدن، گسترش فقر، تعمیق نابرابری ها، تداوم منازعات، در خطر بودن موارث بشری و تنوع فرهنگی، تشدید افراط گرایی و خشونت، تروریسم، بحران های پناهندگی و آوارگی و حتی پیامدهای تغییرات اقلیمی که همگی اساس صلح و امنیت بین المللی را تضعیف می نمایند، لزوم ایفای نقش سازنده توسط یونسکو در ارتقای اهداف منشور ملل متحد بیش از پیش احساس می شود و لذا این سازمان تلاش می کند با بازتعریف اولویت ها، راهکارها، راهبردها و خط مشی های خود در جهت نیل به اهداف اصلی مندرج در اساسنامه ی خود گام بردارد. یونسکو برای تحقق این مهم با چالش های فراوانی روبروست که از آن جمله می توان به سیاسی شدن امور غیرسیاسی، تلاش برخی کشورهای قدرتمند برای اعمال نفوذ، تاثیرگذاری و جهت دهی به تصمیمات و برنامه های سازمان و نیز استفاده ی ابزاری از یونسکو، بحران مالی، مداخلات جهت

دار اعضای دبیرخانه و مواردی از این قبیل اشاره نمود. در این نوشتار تلاش خواهد شد نقش یونسکو در پیشبرد اهداف منشور ملل متحد به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گیرد.

شورای اقتصادی و اجتماعی و پیشبرد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دکتر محمد حبیبی مجنده^۱

۶

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قامت یکی از ارکان اصلی سازمان، کانون تلاش‌های جهانی برای حمایت و پیشبرد حقوق بشر بوده است. اولین دستاورد هنجاری شورا از رهگذر کمیسیون حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. این اعلامیه که در لحن و شکل الزامی بر دوش کشورها نمی‌نهاد مجموعه‌ای از حق‌های مدنی و سیاسی و حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بدون تفکیک و درجه‌بندی دربرمی‌گرفت. اما هنگامی که نوبت تدوین سندی الزامی رسید برخورد و چکاچک اراده سیاسی کشورها و باورهای اعتقادی آغاز شد. این کشمکش با آن چه از هم‌پیوندی و وابستگی متقابل دو دسته از حق‌ها به گوش می‌رسید سازوار نبود و با دو میثاق جداگانه در سال ۱۹۶۶ فرونشست ولی ردپای آن در این اسناد برجای ماند. این دو میثاق، در کنار تفاوت‌ها در تبیین حق‌ها و تعهدات دولت‌های عضو، در طراحی نظام نظارت بر اجرا نیز راهشان از هم جدا شده بود. بخش پنجم میثاق حقوق مدنی و سیاسی یک "کمیته حقوق بشر" بنا می‌نهاد و با دقت و تفصیل ساختار، وظایف و آئین‌های آن را برمی‌شمرد و تعهدات دولت‌ها را گوشزد می‌کرد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اما، در این زمینه هم تغذیه کافی ندیده بود و در بخش چهارم بی آن که نهاد نظارتی خاصی بنیان نهد بر آئین گزارش‌دهی دولت‌های عضو به مجمع عمومی و از آنجا به شورای اقتصادی و اجتماعی برای "ملاحظه" بسنده می‌کرد. شورا که سازوبرگ این ملاحظه را نداشت در سال ۱۹۷۸ یک گروه کاری نشست‌ها ایجاد کرد تا در این کار به شورا یاری رساند. گروه کاری چندان کارآمد درنیامد. شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۸۵ به تشکیل کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخت که از آن هنگام بار اصلی پیشبرد این حق‌ها را بر دوش می‌کشد. این کمیته، هر چند دیر در بدنه شورای اقتصادی و اجتماعی پدیدار گشت تلاش‌های زیاد و نوآورانه‌ای در جبران کاستی‌ها در توجه بایسته به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خرج داده است. تحقیق حاضر گزارشی از این تلاش‌ها و ارزیابی رهاوردهای کمیته در تبیین حق‌ها، بازکردن و شکافت تعهدات دولت‌ها،

^۱ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه مفید

طراحی، پردازش و بارور ساختن آئین‌های گزارش‌گیری از دولت‌ها و به سرانجام رساندن پروتکل اختیاری میثاق برای بررسی شکایت‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی، حقوق بشر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تحول رویکرد شورای اقتصادی اجتماعی: از اهداف توسعه هزاره (MDGs) تا اهداف توسعه پایدار (SDGs)

دکتر هاله حسینی اکبرنژاد^۱

تصویب اهداف توسعه پایدار به عنوان الگوی بعد از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰، در اجلاس هفتادم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقطه عطفی در همنوایی جامعه بین‌المللی برای اعلام و تحقق آرمان‌های مشترک بشری است. اهداف توسعه پایدار به عنوان دستاورد مهم و نوظهور ملل متحد، از یک سو، مبتنی بر تجربه اهتمام بر تحقق اهداف توسعه هزاره توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و از سوی دیگر، درصدد مواجهه کارآمد و موثر با چالش‌ها و معضلات جدید است و بر همین اساس متضمن برخی مفاهیم و آموزه‌های عمیق است که به عنوان نقشه راه و برنامه عمل در ذیل ۱۷ هدف اصلی و اهداف فرعی آن مورد تاکید می‌باشد. از جمله محورهای مهم در این رابطه، می‌توان به چارچوب اهداف توسعه پایدار برای مبارزه با فقر، تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و مقابله با تغییرات آب و هوایی اشاره نمود. همچنین نقش و جایگاه شورای اقتصادی اجتماعی، در ایجاد سازوکارهای اجرا و نظارت بر اجرای اهداف توسعه پایدار نیز محوری مهم در اراتقای التزام دولت‌ها، سازمان‌ها و بازیگران غیردولتی می‌باشد که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی اجتماعی، اهداف توسعه پایدار، اهداف توسعه هزاره، محیط زیست، توانمندسازی زنان و فقر.

^۱. دکترای حقوق بین‌الملل، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

نگاهی بر سیر تحولات کمیسیون مقام زن

دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد^۱

۹

اکنون در نظام بین‌المللی، حقوق زنان و دختران به‌منزله حقوق بشر شناخته می‌شود، که جنبه‌های مختلفی از زندگی ایشان همچون سلامت، آموزش، مشارکت سیاسی، رفاه اقتصادی و منع خشونت را در برمی‌گیرد. حقوق بشر زنان و دختران بخشی غیرقابل‌انکار، مکمل و جدایی‌ناپذیر از حقوق جهانی بشر تلقی شده و بهره‌مندی کامل و برابر زنان و دختران از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، یک اولویت دولت‌ها و ملل متحد شمرده شده است. کمیسیون مقام زن از طریق شورای اقتصادی، اجتماعی ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تشکیل شده است. کمیسیون مقام زن مهم‌ترین رکن سازمان ملل برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد جایگاه زنان است. کمیسیون در رابطه با هر مسئله مرتبط با زنان، پیشنهادات و گزارشات خود را به ملل متحد ارائه می‌کند و در موارد ضروری می‌تواند برای جلوگیری یا کاهش نقض حقوق زنان اقدام بین‌المللی فوری انجام دهد. کار اصلی کمیسیون مقام زن، تعیین استانداردهای جهانی برای تساوی میان مردان و زنان است. همچنین این نهاد در اینکه ملاحظات مربوط به زنان در قانون توجه آژانس‌های تخصصی ملل متحد قرار گیرد، نقشی اساسی دارد. کمیسیون در برگزاری کنفرانس‌های جهانی مربوط به زنان نیز فعالیت می‌کند و به‌عنوان آخرین و مهم‌ترین اقدام آن می‌توان به برگزاری اجلاس پکن+۲۰ در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد، اتفاق مهمی در روند فعالیت کمیسیون به‌شمار می‌آید.

^۱. دکترای حقوق بین‌الملل، مدرس دانشگاه

نقش و ظرفیت‌های شورای اقتصادی و اجتماعی در شناسایی و خلق هنجارهای نوین حقوق بین‌الملل محیط زیست

سیدعلی حسینی آزاد^۱

۱۰

از اهم اهداف ملل متحد، دستیابی به همکاری بین‌المللی جهت حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از جمله ترویج و احترام به حقوق بشر است که حفظ و حراست از محیط زیست به منظور بقای نسل‌های حاضر و آینده، صدرنشین این اهداف می‌شود.

شورای اقتصادی و اجتماعی بعنوان ارگان پویای ملل متحد با کارویژه‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تحقق اهداف مندرج در بند ۳ ماده ۱ منشور در قامت آن تجلی می‌کند، در رابطه با حل مسائل زیست‌محیطی نیز اهتمام می‌ورزد و فعالیت‌های آن از جمله در زمینه‌ی قاعده‌سازی در حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز رقم می‌خورد. این مقاله در صدد است تا تأثیر این شورا بر هنجارآفرینی در حقوق بین‌الملل محیط زیست و نقش و ظرفیت این ارگان در تثبیت قواعد نرم و قوام نیافته بعنوان قواعد الزام‌آور زیست‌محیطی را به کاوش گذارد.

النهایه، ملاحظه می‌شود که شورای اقتصادی و اجتماعی بخصوص در قالب کمیسیون اقتصادی اروپا، در کلیه‌ی مسائل زیست‌محیطی و از جمله روند هنجارسازی و هنجاریابی، از طریق مدیریت موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی، ارائه‌ی رهنمون‌ها، کنترل و هماهنگی فعالیت‌های نهادهای تخصصی نظیر UNEP و CSD، همچنین کمک به روند عرفی‌سازی قواعد و شناسایی عرف موجود، به انحاء مختلف، نقشی بسزا، کارا و رو به گسترش ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی، منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل محیط زیست، قاعده‌سازی

^۱ . دانشجوی دوره ی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

ارزیابی عملکرد شورای اقتصادی اجتماعی در راستای تحقق صلح ساختاری

یلدا خسروی^۱

۱۱

مطابق ماده ۱ منشور ملل متحد، یکی از اهداف این سازمان تحقق صلح و امنیت بین‌المللی است. بی‌شک شورای اقتصادی اجتماعی نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی این سازمان در چارچوب وظایف مقرر، در راستای این هدف گام بر می‌دارد. در این میان رویکرد شورا رویکردی کل‌نگر است، در نتیجه اهداف ملل متحد در این رکن با نگاهی جامع دنبال می‌شوند و اقداماتی که در سطوح مختلف انجام می‌گیرند در شورا یکپارچه و هماهنگ می‌گردند.

به دلیل تمرکز شورا بر مسائل اقتصادی و اجتماعی و بالاخص مفهوم توسعه پایدار و با لحاظ نمودن رویکرد جامع آن، می‌توان گفت این رکن بیش از هرچیز در راستای تحقق صلح ساختاری قدم بر می‌دارد که لازمه برقراری آن، ریشه‌کن نمودن عواملی است که موجبات بی‌عدالتی اجتماعی را فراهم می‌آورند و قالباً ذیل عنوان خشونت ساختاری طبقه‌بندی می‌شوند.

پژوهش حاضر در نظر دارد با توجه به شرح وظایف شورای اقتصادی اجتماعی، ابتدا به بررسی رویکرد شورای اقتصادی اجتماعی به صلح پردازد؛ سپس با مذاقه در عملکرد شورا، اقداماتی را که در راستای تحقق این رویکرد صورت گرفته مشخص نماید.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی اجتماعی، صلح، خشونت ساختاری، عدالت اجتماعی،

حقوق بشر

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

نقش و اهمیت کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در تکامل و تحقق اهداف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد حسام دیدگاه^۱ / علیرضا نوروزی^۲

شورای اقتصادی و اجتماعی یکی از ارگان‌های اصلی سازمان ملل متحد در کنار مجمع عمومی و شورای امنیت می‌باشد، این شورا بر اساس نص صریح مواد قانونی منشور ملل متحد وظایف و اختیاراتی همچون مطالعه و گزارش در امورات اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارد که با انجام و پیشبرد این برنامه‌ها در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های ملل متحد گام برمی‌دارد. این ارگان مهم سازمان ملل به طور کلی و در یک شمای کلی بر اساس آنچه مورد تحقیق ما می‌باشد وظیفه هماهنگی ۱۰ کمیسیون کاربردی^۳ را که بر اساس ماده ۶۲ منشور ملل متحد شکل داده است بر عهده دارد. در این میان تمرکز این پژوهش را به طور اختصاصی بر یکی از این کمیسیون‌های شورای اقتصادی و اجتماعی با نام «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری»^۴ قرار داده ایم. حال بر آن هستیم تا با بررسی این کمیسیون به کارکرد و وظایف و کلیت این کمیسیون دست یافته و بتوانیم نقش سازنده آن در غنای اهداف ملل متحد و ارتباط حقوقی آن با شورای اقتصادی و اجتماعی و سازمان ملل در برآوردن نیازها و وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهیم.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد.

^۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران)

^۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل (دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب)

^۳. Functional commissions

^۴. commission on crime prevention and criminal justice

بحران آب تهدیدی علیه صلح از منظر حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بشر

پرستو راهنورد^۱ / عبدالصمد بحرینی^۲

۱۳

برخورداری از آب سالم و کافی جزء حق حیاتی و مسلم انسان ها به شمار می آید به طوری که شورای اقتصادی اجتماعی به صراحت به آن اشاره نموده است. در این مان کمبود منابع آبی و نحوه عدم صحیح برخورد با این منابع و تغییرات آب و هوایی و نیز جنگ ها و سیاست های اتخاذ شده توسط دولت ها، جهان را با چالش اساسی در این راستا مواجه ساخته است. به طوری که جنگ های آبی و بسیاری از مناقشات بر سر منابع آبی خواهد بود. این پژوهش درصدد بررسی نقش شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل و سایر اقدامات جهانی در راستای مقابله و برنامه ریزی های انجام شده در این راستا می باشد.

^۱. دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه آزاد، شعبه بین الملل قشم، دانشگاه علوم پزشکی زنجان معاونت پژوهشی، واحد روابط بین الملل

^۲. دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه آزاد، شعبه بین الملل قشم

موافقت نامه های تجاری، مالکیت فکری و دسترسی به داروهای حیاتی:

نقش شورای اقتصادی و اجتماعی در قبال حق بر سلامت

دکتر هیلدا رضائی^۱

داروها جزء حیاتی در درمان بسیاری از مشکلات بهداشتی - درمانی جهان، همچون ایدز می باشند. اما ورای داروها، آنچه به عنوان مسأله اساسی مطرح می شود قیمت آنها است. قیمت بسیاری از داروهای حیاتی تا حد زیادی به دلیل حمایت از مالکیت فکری که به سازندگان داروها اعطا می شود، افزایش یافته و به شرکت های دارویی اجازه اینکه آنها حقوق انحصاری نسبت به بازار و فروش محصولاتشان داشته باشند را می دهد. به لحاظ حقوق تجارت بین الملل، شماری از کشورهای در حال توسعه اخیراً فقط مکانیزم های حمایت از مالکیت فکری را ایجاد کرده اند که این تعهدات، از موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) سازمان جهانی تجارت و موافقت نامه های تجاری دو جانبه و منطقه ای ناشی می شود، اما در عین حال، در مورد تأثیر منفی موافقت نامه تریپس بر اجرای موفقیت آمیز سیاست های بهداشتی - که حداکثر دسترسی به داروهای حیاتی به منظور مبارزه با بیماری ها را فراهم می کند - انتقادهای فراوان شده است. در میان طیف وسیع انتقادات، بسیاری از بازیگران اصلی از حقوق بشر سخن به میان آورده و بر نقش شورای اقتصادی اجتماعی در قبال حق بر سلامت، متمرکز شده اند. شورای اقتصادی اجتماعی که به عنوان مرکز گفتگو و گردهمایی برای تبادل نظر در خصوص موضوعات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی می باشد برای کشورهای عضو و سازمان ملل متحد توصیه هایی را به منظور تعیین خط مشی ارائه می دهد، همچنین بازیگران بین المللی همچون سازمان های غیردولتی که می خواهند در تصمیمات ملل متحد سهیم باشند، باید نخست از سوی این شورا گواهی مقام مشورتی دریافت کنند.

این پژوهش، به نقش شورای اقتصادی اجتماعی و سازمان های مرتبط با ملل متحد برای گسترش محتوای قانونی حق بر سلامت و مسائل مالکیت فکری پرداخته و پایه و اساس این انتقادات را، حول محور موضوعات موافقت نامه های تجاری و دسترسی به داروهای حیاتی در بحث حقوق بشر، بررسی می کند. سپس اعلامیه دوحه در خصوص موافقت نامه تریپس و سلامت عمومی را

^۱. دکترای حقوق بین الملل عمومی، مدرس دانشگاه.

مورد بررسی قرار داده و متمرکز بر ارزیابی تأثیر حقوق بشر بر مقررات مالکیت فکری در موافقت نامه های تجاری شده و به نقش شورای اقتصادی اجتماعی در قبال حق بر سلامت می پردازد.

واژگان کلیدی: مالکیت فکری، شورای اقتصادی اجتماعی، حق بر سلامت، داروهای حیاتی، اعلامیه دوحه، موافقت نامه تریپس.

نقش محوری شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در توسعه پایدار با تمرکز بر حفاظت از محیط زیست دریاها و توسعه دریا محور

دکتر محمد حسین زارعی^۱ / دکتر امیرنظام براتی^۲

از دیدگاه رییس اسبق شورای اقتصادی و اجتماعی عنوان گردیده است که "همانگونه که فلسفه وجودی شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی و حل و فصل مناقشه ها است، فلسفه وجودی شورای اقتصادی و اجتماعی حذف علل بروز مناقشه ها می باشد". از این رو شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نقش حیاتی در اهداف جدید توسعه پایدار (SDGs) و تاثیر آنها در از بین بردن فقر، مبارزه با تبعیض و نابرابری و برنامه ریزی برای تغییرات اقلیمی در سالهای آینده دارد.

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش محوری شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در توسعه پایدار با تمرکز بر حفاظت از محیط زیست دریاها می پردازد. یافته های این پژوهش بیانگر این است که با عنایت به اینکه وظایف اصلی این شورا شامل توسعه سطح استانداردهای زندگی، اشتغال برای همه، پیشرفت اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی؛ ارائه راه حل ها برای مسائل اقتصاد بین الملل و مشکلات بهداشتی و اجتماعی؛ سهولت بخشی به همکاری های فرهنگی و آموزشی و ... می باشد، ضروری است با عنایت به اینکه دریاها در توسعه پایدار و بهمینطور امنیت غذایی دریای محور، از اهمیت اساسی برخوردار می باشد، محیط زیست دریاها با همکاری با سازمان بین المللی دریایی (IMO) نیز مورد توجه این شور قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، توسعه پایدار، محیط زیست دریاها، توسعه دریا محور

^۱. عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و کمیسر دریایی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

^۲. عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و کمیسر دریایی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

واکاوی عملکرد شورای اقتصادی و اجتماعی

در ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان

مریم زارع خانمحمدی^۱

۱۷

حذف تمام اشکال خشونت و تبعیض علیه زنان، برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان، و توسعه و صلح برای آنها، درچارچوب ارتقاء حقوق بشر، با استناد به بند ۳ ماده یک منشور ملل متحد همواره از مقاصد اصلی سازمان ملل بوده اند. از اینرو، با تأسیس کمیسیون موقعیت زنان با قطعنامه (II) ۱۱ شورای اقتصادی و اجتماعی مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۶، و همچنین ایجاد سازمان زنان ملل متحد ر تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۰؛ این سؤال مطرح می شود که این شورا چه تأثیری بر روند ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان داشته است؟ در پاسخ، چنین فرض شده است که نظارت بر روند اجرای اعلامیه پکن و برنامه اقدام، جریان سازی دیدگاه جنسیتی در فعالیت های سازمان ملل متحد، تصویب اعلامیه ها و کنوانسیون های ویژه به افزایش تعهدات جامعه جهانی برای رعایت حقوق و آزادی های زنان منجر شده است. هدف از این پژوهش شناسایی تأثیر عملکرد شورای اقتصادی و اجتماعی بر جایگاه زنان در جامعه است، تا بر این اساس راهکارهای مناسبی به سیاستگذاران ارائه شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری مطالب کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی، حقوق بشر، زنان، سازمان زنان ملل متحد، کمیسیون موقعیت زنان.

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، نویسنده مسئول

بررسی عملکرد و نقش شورای اقتصادی و اجتماعی در ایجاد توسعه پایدار

ندا سعیدی

۱۸

همزمان با کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط زیست انسانی در استکهلم و یافته‌های علمی آثار خطرناک زیست محیطی حاصل از توسعه اقتصادی دولت‌ها از جمله آلودگی هوای فرامرزی، کاهش لایه ازن و تغییرات آب و هوایی، دگرگونی‌هایی در مفهوم توسعه دولت‌ها نمایان و توسعه اقتصادی با پارادایم پایداری و حفاظت از محیط زیست همراه شد و نیاز به دخالت سازمان ملل و نهادهای وابسته جهت انتظام بخشیدن به تمهیدات جامعه بین‌الملل در حفاظت از محیط زیست با در نظر گرفتن اقتصاد نامطلوب دولت‌های در حال توسعه، آشکار گردید. شورای اقتصادی و اجتماعی با هماهنگی سازی موسسات فعال در خصوص توسعه پایدار، نقش محوری در توسعه پایدار دولت‌های در حال توسعه ایفاء می‌کند. حال این مساله مطرح می‌شود که آیا شورای مذکور عملکردی مناسب و ضوابط اجرایی کارآمد جهت توسعه پایدار تمام دولت‌ها داشته است؟ آیا موجب حفظ تعادل در تامین منافع کلیه دولت‌ها، به خصوص دولت‌های در حال توسعه، و حفاظت موثر از محیط زیست شده است؟ بدین منظور ابتدا با بررسی مقدماتی ارکان و وظایف شورا، طی دو گفتار به بررسی عملکرد آن و موسساتی که با شورای مذکور همکاری یا زیر نظر آن فعالیت می‌کنند می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، محیط زیست، دولت‌های در حال توسعه، دولت‌های توسعه یافته

نقش پطرس غالی در نظام مند کردن اقدامات قهری

مبتنی بر ماده ۴۱ منشور ملل متحد

دکتر حسن سواری^۱

۱۹

تحمیل مجازاتهای اقتصادی، سیاسی و ... بر ضد دولت (ها) خاطی، اولین مرحله از اقدامات عملی و اجرائی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور این سازمان بطور عام و بر طبق ماده ۴۱ آن بطور خاص ممکن است به اجرا گذارد. این اقدامات قاعدتا باید مسبوق به داوری اولیه این شورا بر اساس ماده ۳۹ منشور باشد که بر طبق آن اگر در مرزهای کشورهای عضو یا در قلمرو یک یا چند کشور وضعیت هایی حادث شود که از «تهدید بر صلح»، «نقض صلح» و یا وقوع «تجاوز» حکایت کند، شورا باید مسئولیت خود را که همانا حفظ صلح و امنیت بین المللی است، انجام دهد.

درواقع، تحمیل چنین مجازاتها، پیچیدن نسخه ای برای رفع و دفع وضعیت های خطر آفرین بر امنیت و صلح جهانی توسط نهادی است که جامعه بین المللی چنین رسالتی را به آن واگذار کرده است. مفروض اینست که در صورت استفاده صحیح شورای امنیت از اختیارات اعطایی و رعایت اصول و اهداف مندرج در مواد ۱ و ۲ منشور پیش گفته، تحمیل مجازات و سختگیری بر ضد کشور(ها) از آن روی که هم با منطق و هم با روح منشور سازگاری دارد، قانونی بوده و در عین حال مشروعیت بین المللی هم خواهد داشت. لیکن، فارغ از داوری و تحلیل چگونگی عملکرد شورا در بیش از هفت دهه از عمر خود، باید اذعان کرد که موضوع نسبتا بدیهی ولی بسیار مهم در بخش مربوط به حفظ صلح در منشور ملل متحد (فصل هفتم) مورد غفلت واقع شده بود که باعث می شد تا مشروعیت برخی از اقدامات قهری شورای امنیت در راستای اعمال ماده ۴۱ زیر سوال برود. بدین توضیح که منطق و روح حاکم بر منشور اقتضا می کرد (و می کند) تا در صورت

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

کاهش یا زوال عوامل موجد تنبیهات مبتنی بر حکم ماده ۴۱، خود مجازاتها نیز به موازات آن تخفیف یافته و یا برچیده شوند در حالیکه کارنامه عملکرد شورای امنیت چنین چیزی را نشان نمی دهد و به همین دلیل از اوایل دهه ۹۰ و با پیشگامی مرحوم آقای پطرس غالی توجه جامعه بین المللی به این مسئله جلب گردید و پشتیبانی نمایندگی چندین کشور تاثیر گذار در سازمان ملل متحد و ایجاد فضای نقد و مباحثه در مجامع علمی و حقوقی-سیاسی، شورای امنیت ناگزیر شد تا در تحمیل، تعلیق، تخفیف و برچیدن مجازاتها تا حدود زیادی قاعده مند عمل کند اگر چه هنوز استدلال های مخالفی دال بر عدم ضرورت و مناسبت الزام شورای امنیت بر رعایت چنین رفتار قاعده مند و محدود کردن اقدامات این نهاد اجرایی به قید و بند زمان، کاملاً رخت نبسته است. در این مقال ابعاد ظریف این موضوع و نظرات موافق و مخالف و به خصوص نقش بسیار پررنگ مرحوم آقای دکتر پطرس غالی در این زمینه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چالش بی هویتی شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد:

آینه‌ی تغییر نظم جهانی

علیرضا شمس لاهیجانی^۱

۲۱

نوشتار حاضر با انتخاب «شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد» به عنوان مورد مطالعه، به بررسی یکی از سؤالات نظری مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل (English School) در رابطه با ماهیت نهادهای جامعه بین‌المللی می‌پردازد. با تکیه بر چارچوب‌های مفهومی حقوقی و سازه‌نگارانه در رابطه با مولفه‌های تشکیل دهنده نهادهای بین‌المللی، چگونگی اثرگذاری نهادهای اولیه جامعه بین‌المللی (Primary Institutions) در ساخت و ظرفیت‌سازی کارگزاری‌ها و ارگان‌های جامعه بین‌المللی مورد تحلیل قرار گرفته و نقش سازمان‌های غیردولتی در شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد به عنوان نمونه رابطه دوجانبه و اثرگذاری متقابل ارگان‌ها به نهادهای اولیه مطرح می‌شود: دسترسی NGOها به شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد، تسهیل‌گر حضور فزاینده و فعال این کنش‌گران در عرصه ملل متحد بوده است. از این رو، می‌توان ادعا کرد این شورا، الگوسازی در سطح نظام ملل متحد و به طبع آن در عرصه جامعه بین‌المللی به شمار می‌آید. با تبیین سازوکارهای سیاسی و حقوقی چگونگی تغییر در ساختار و دستور کار شورا، این نوشتار، دوران فعلی شورا را دوران «بی‌هویتی» قلمداد می‌کند: دورانی که شورا در کشاکش تغییرات شگرف نهادهای بین‌المللی و جامعه بین‌المللی، دچار سردرگمی و به دنبال «هویتی جدید» با تدوین دستور کاری جدید است. این چالش بی‌هویتی، آینه تغییرات نظم جهانی و موید ادعای رابطه متقابل و دوجانبه کارگزاری‌ها با نهادهای اولیه و جامعه بین‌المللی است که دائم در حال طی یک فرآیند تاریخی بررسی شکل‌گیری، بازتولید و تنظیم هستند.

واژگان کلیدی: نظم جهانی، سازمان ملل متحد، مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل، هویت

^۱ کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن

تأملی در نسبت میان «اخلاق و حقوق بین الملل»:
از اخلاق در اکوسوک تا اخلاق در اندیشه های دکتر ناصر قربان نیا
دکتر آرامش شهبازی^۱

بی تردید اخلاق، رکن رکن سازنده قواعد و هنجارهای حقوقی است. از دیر باز، این بنیاد سترگ چنان در هیأت حق ها و تعهدات حقوقی جای گرفته و خود را به پوزیتیویسم اراده گرای قانونساز تحمیل کرده که گویی هر گسستی در این پیوند، حقوق را از سر منزل مقصود منحرف و به بیراهه رهنمون می سازد. با این حال، رسوخ بنیادهای اخلاقی در حقوق، منحصر به سیستمهای حقوقی ملی نیست و حقوق بین الملل نیز متأثر از مبانی ارزشی، به ویژه در قرن معاصر، سیمایی انسانی تر به خود گرفته است. بدین سان، هرچند خاستگاه این پیوند ریشه در تولد حقوق بین الملل دارد، اعتلای حقوق بشر، جرم انگاری جنایات بین المللی، توسعه قواعد آمره و ظهور مفاهیمی ارزشی در حقوق بین الملل، مؤید استحکام این پیوند در عصر حاضر است.

شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد، با تمرکز بر توسعه استانداردهای زندگی، اشتغال، پیشرفت اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی؛ و تلاش برای ارائه راه حل هایی به منظور حل معضلات، پیگیری در سهولت بخشی به همکاری های فرهنگی و آموزشی؛ و سرمایه گذاری به منظور احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی از جدی ترین ارکان خانواده ملل متحد است که می توان از مجموعه عملکرد سازمانی آن، توسعه و ترویج مبانی اخلاقی تصمیمات فراگیرترین سازمان بین المللی را رصد و به ارزیابی کارنامه ملل متحد در توجه به مبانی اخلاقی حقوق بین الملل پرداخت.

«اخلاق و حقوق بین الملل» دکتر ناصر قربان نیا، که عصاره ای از اندیشه های وی در مفهوم، جایگاه و نقش مبانی اخلاقی در شکل گیری تعهدات و فرایندهای بین المللی است، با تأکید بر مهمترین رسالت حقوق بین الملل مبنی بر حکومت صلح و امنیت بین المللی، و ترویج همکاری در صحنه بین المللی، اخلاقی سازی حقوق بین الملل را یگانه علاج توزیع عادلانه و منصفانه روابط سیاسی و اقتصادی در صحنه بین المللی می داند و دیپلماسی را ابزاری کارآمد برای یافتن فانوس هدایت در مسیر پرتلاطم منافع و مطامع ملی دولتها قلمداد می کند. با این حال، به درستی،

^۱ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

هنوز هم حقوق بین الملل را در تحقق رسالت نهایی خود ناکام قلمداد می کند و تحقق این رسالت را در گرو پیوندی مستحکم تر می داند.

شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد با تأکید جدی تر بر حقوق بشر و آزادی های اساسی، تبیین منزلت انسان و بازگشت به فطرت و طبیعت، می تواند ترک تازی پوزیتیویسم منفعت گرای قرن بیست و یکم را در حصار اخلاق، محدود و از این طریق گامی جدی در تحقق رسالت نهایی حقوق بین الملل و سازمان ملل متحد بر دارد. تأسیس نهادهای فرعی با چنین کارویژه ای، مشارکت در توسیع مفاهیم بشری و بکارگیری ظرفیتهای عملی، آموزشی و اجرایی این رکن، به ویژه در پیوند با رکن سیاسی و قضایی ملل متحد، اکوسوک و نظام حقوق بین الملل را در استحکام بنیادهای اخلاقی هنجارها یاری می کند.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی، اجتماعی ملل متحد، اخلاق، حکومت قانون، پوزیتیویسم حقوقی، صلح و امنیت بین المللی

بررسی عملکرد «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیتها»

دکتر ستار عزیزی^۱

«کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیتها»، رکن فرعی مهم کمیسیون حقوق بشر بود که در سال ۱۹۴۷ با ترکیب ۱۲ عضو تشکیل شد. هدف از تشکیل این رکن فرعی، تحصیل دو هدف مهم و یا به عبارت دیگر، رفع دو خلاء اساسی در فعالیتهای و شرح وظایف کمیسیون حقوق بشر و ترکیب آن کمیسیون بود.

الف: در نظام منشور ملل متحد، به دلایلی که شرح آن در متن مقاله خواهد آمد، به نظام «حمایت از اقلیتها» اشاره ای نرفته است و همین غفلت نیز در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» دیده می شود. تشکیل کمیته ای فرعی با عنوان «حمایت از اقلیتها»، در راستای رفع این نقیصه صورت گرفت.

ب: کمیسیون حقوق بشر، نهادی مرکب از دول منتخب شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بود و کارشناسان مستقل در آن حضور نداشتند. تشکیل کمیته ای با حضور کارشناسان مستقل می توانست اتهام عملکرد سیاسی کمیسیون حقوق بشر را کمرنگ تر سازد.

مهمترین وظیفه کمیسیون فرعی کمک به کمیسیون حقوق بشر در انجام کارها و خدمات آن بود که می توان در سه دسته آنها را تقسیم بندی نمود.

۱- انجام مطالعه در خصوص موضوعات حقوق بشری

۲- توصیه به کمیسیون حقوق بشر در خصوص منع تبعیض از هر نوع در رابطه با حقوق بشر و آزادیهای بنیادین و حمایت از اقلیتهای نژادی، قومی، مذهبی و زبانی.

۳- انجام دیگر خدماتی که از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) و یا کمیسیون حقوق بشر بدان واگذار می شد.

اعضاء کمیسیون فرعی در انجام خدمات فوق الذکر بر اساس صلاحیت شخصی خود عمل نموده و بر خلاف کمیسیون حقوق بشر نهادی بین دولتی نبود. لذا می توانست به نسبت کمیسیون اخیر

^۱ دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه بوعلی سینا

در گیر و دار مسائل سیاسی بی طرف باقی بماند. از کمیسیون فرعی اغلب بعنوان «اتاق فکر» کمیسیون حقوق بشر نام برده می شد.

«کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیتها» در سال ۱۹۹۹ به کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر تغییر نام یافت.

در این مقاله، نویسنده شرح وظایف و عملکرد این کمیسیون فرعی را در طول مدت نیم قرن فعالیت خود بویژه در حوزه حمایت از اقلیتها بررسی می کند.

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و اعطای مقام مشورتی به سازمان های مردم نهاد دکتر پوریا عسکری^۱

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک)، کلیددار باب ورود کنشگران جامعه مدنی و به طور خاص سازمان های مردم نهاد به ساختار سازمان ملل متحد است. این وظیفه ای است که ماده ۷۱ منشور برعهده اکوسوک نهاده و قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۶ حدود و ثغور آن را تعیین کرده است. به موجب این قطعنامه، شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند انواع گوناگون مقام مشورتی سازمان ملل متحد را به سازمان های غیردولتی اعطاء کند و به این ترتیب این سازمان ها مجوز حضور در جلسات متعدد سازمان ملل متحد را کسب می کنند تا ایده ها و نظرات خود را به گوش دولتهای عضو سازمان ملل برسانند.

مقاله ارائه شده در فصل نخست نحوه عملکرد اکوسوک در اعطای مقام مشورتی به سازمان های غیردولتی را مورد بحث قرار می دهد و آنگاه به بررسی آثار صدور مقام مشورتی بر عملکرد سازمان ملل متحد می پردازد تا مشخص شود در طول ۲۰ سالی که از عمر قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ می گذرد، تا چه حد اعطای مقام مشورتی توانسته موجبات ارتقاء جایگاه سازمان های مردم نهاد را در تصمیم گیری های سازمان ملل متحد فراهم آورد.

واژگان کلیدی: اکوسوک، مقام مشورتی، سازمان های غیردولتی، حقوق بشر.

^۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

توسعه پایدار و حقوق بشر

مهندس شهلا فارسی منفرد^۱

۲۷

مقوله محیط زیست یک موضوع فرا ملی، فرا منطقه ای و جهانی است زیرا به اعتقاد کارشناسان هر عملی در هر نقطه ای از دنیا به محیط زیست آسیب وارد کند بدون شک بعد از مدتی بر روی محیط زیست منطقه ای دیگر در گوشه دیگر دنیا تاثیر خواهد گذاشت.

بر این اساس امروزه حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی به دغدغه اصلی دولتمردان در جهان تبدیل شده است. در این عصر از جهانی شدن تقدیر ما بر این بوده که در یک دهکده جهانی زندگی کنیم و اگر می خواهیم آینده ای پایدار و زندگی سالم داشته باشیم نیاز داریم همه مردم در نگهداری و جلوگیری از آلودگی طبیعت سهیم باشند. توسعه پایدار اطمینانی است برای کیفیت برتر در زندگی هر شخص، نسل امروز و نسلهای آتی.

استفاده از مشارکت مردمی یکی از ضروریات در هر اقدام فراگیر اجتماعی میباشد. اگر در تلاش برای حفظ و احیاء محیط زیست از توان بالقوه شهروندان بهره مند شویم حرکت چشمگیری در راستای حفظ محیط زیست کشورمان بعمل آورده ایم. لذا این انجمن در راستای اهداف ۱۷ توسعه پایدار فعال بوده و مبادرت به اقدامات عدیده‌ای نموده که منجر به شرکت در اجلاس‌های شورای حقوق بشر از سال ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ و ارایه مقاله بصورت کتبی و شفاهی گردیده است.

هدف از ارایه این مقاله بیان تجربیات یک سازمان با مقام مشورتی شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد در ارتباط با این رکن مهم است. همچنین به چگونگی حمایت شورا از سازمان طرف مشورت خود در اجلاسها و کنفرانس‌های بین المللی اشاره می شود. این حمایت به نوبه خود به تحقق منشور ملل متحد برای مشارکت مردمی در فرایند توسعه و تحول مفهومی امروزی خود به شکل توسعه پایدار و حفظ محیط زیست کمک می نماید.

^۱ مدیر عامل انجمن زنان طرفدار توسعه پایدار محیط زیست (دارای مقام مشورتی شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد)

نقش داده ها و جایگاه تجزیه تحلیل آماری و کمی در فرایند توسعه پایدار

با محوریت شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد

دکتر مسعود فرخی^۱

۲۸

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد یکی از شش رکن اصلی سازمان ملل متحد می باشد. در حال حاضر ۵۴ کشور در عضویت این شورا هستند و در حقیقت این شورا مسولیت همکاری های اقتصادی اجتماعی کشورهای عضو را بر عهده دارد. طبق فصل دهم منشور ملل متحد شورای اقتصادی و اجتماعی مسئول برنامه ریزی جهت ارتقا در سطح زندگی اشتغال بهبود وضعیت اجتماعی و توسعه اقتصادی از طریق توجه به بهداشت سلامت آموزش و ارتقا فرهنگی می باشد. اصولاً در سیاست گذاری و خصوصاً سیاست گذاری های توسعه محور تجزیه تحلیل دقیق وضع موجود از مهمترین مراحل می باشد. بدون دانستن آمار و اطلاعات و عدم اطلاع دقیق از وضعیت موجود هیچ نهاد یا سازمان تصمیم گیر مشاور و سیاست گذار نمی تواند سیاست مناسب و قابل اجرایی ارائه دهد. امروزه نقش جمع آوری نگهداری دسترسی و تجزیه تحلیل آماری داده ها در فرایند سیاست گذاری بسیار کلیدی و در حقیقت حیاتی می باشد.

در بخش نخست این ارائه ابتدا به بررسی اجمالی ساختار شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد می پردازیم. سپس به نقش این شورا در سیاست های توسعه ایی کشورهای عضو اشاره نموده و به مفهوم توسعه پایدار در چارچوب اهداف توسعه هزاره می پردازیم. در بخش دوم به نقش کلیدی داده ها و تحلیل های آماری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی و به طور خاص به نقش تحلیل های آماری و کمی در فرایند توسعه پایدار از منظر سازمان ملل متحد می پردازیم. در انتها به تشریح وضع موجود در ایران از لحاظ دسترسی و جمع آوری داده ها از یکسو و تجزیه تحلیل های آماری و نقش آن در سیاست گذاری توسعه ایی از سوی دیگر می پردازیم. در حقیقت هدف کلی از این ارائه شناخت ساختار و پتانسیل های شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و درک نقش حیاتی داده ها و تجزیه تحلیل های کمی و آماری در فرایند توسعه پایدار در کشورهای عضو و ارائه پیشنهاد های کاربردی برای ایران خواهد بود.

^۱ مدرس دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی شریف

نقش شورای اقتصادی- اجتماعی ملل متحد در تحقق توسعه پایدار

دکتر محمد قربان زاده^۱ / سید مصطفی کازرونی^۲

۲۹

شورای اقتصادی- اجتماعی ملل متحد به عنوان یکی از ارکان ملل متحد به انحاء مختلف توانسته است در تحقق و ترویج توسعه پایدار در سطح جامعه بین المللی نقش ایفاء نماید. کمیسیون توسعه پایدار و کمیته فرعی انرژی و توسعه پایدار از زمره ی نهادهای اصلی شورا برای تحقق توسعه پایدار تلقی می گردند. نقش شورا به ویژه پس از اجلاس ریو (۱۹۹۲) که در آن میان محیط زیست و توسعه قایل به تفکیک شدند و از این رو، شورا به عنوان یک نهاد هماهنگ ساز در هر دو حوزه مطرح گردید؛ برجسته شد. شورا در سال ۲۰۱۵ چارچوب جدیدی را از طریق تصویب سند ((مدیریت انتقال از اهداف توسعه هزاره به اهداف توسعه پایدار)) مورد پذیرش قرار داد؛ به طوریکه تمامی کارکردهای حقوقی بشری ملل متحد بایستی تا سال ۲۰۳۰ بر مبنای اهداف توسعه پایدار تحقق یابند. پرسش اصلی تحقیق حاضر بدین صورت است که شورای اقتصادی- اجتماعی از چه نقشی در تحقق و ترویج توسعه پایدار برخوردار است؟ نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت می باشد که شورا از سه نقش اصلی در حوزه تحقق و توسعه توسعه پایدار برخوردار است: ۱. تصویب اسناد و راهبردهای ملل متحد در حوزه توسعه پایدار؛ ۲. کمک به سازمان های منطقه ای و دولت ها در تحقق توسعه پایدار؛ ۳. هماهنگ نمودن فعالیت ها در حوزه درون بخشی ملل متحد در زمینه توسعه پایدار.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی- اجتماعی، توسعه پایدار، اهداف توسعه هزاره.

^۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور ایران

^۲. مدرس دانشگاه پیام نور شیراز

اکوسوک در هفتاد و یک سالگی: دستاوردها، اصلاحات اخیر و چالش ها

دکتر حسین قریبی

در سال ۱۹۴۵ اکوسوک بعنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد برای هدایت و هماهنگی فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد شکل گرفت. اهداف اعلامی این شورا عبارتند از سه گانه های:

- استاندارد بالاتر برای: زندگی، اشتغال کامل، شرایط پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و توسعه.
 - ارائه راه حل هایی برای مشکلات: اقتصادی، اجتماعی، بهداشت بین المللی و سایر مسائل مرتبط.
 - احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی بدون تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی.
- به جهت گستردگی موضوعات، ماهیت اهداف که تلاش حداکثری در سطح جهانی می طلبد و نیز اختلافات وسیعی که بین اولویت های اعضای ملل متحد وجود داشته است، جایگاه و کارکرد اکوسوک بر خلاف سایر ارکان (بویژه شورای امنیت و مجمع عمومی و به استثناء شورای قیمومیت) بصورت مستمر در دستور کار مباحث ملل متحد قرار داشته است. به همین دلیل بیشترین تحولات و اصلاحات را هم شاهد بوده است.
- در حال حاضر از میان سه کارکرد تبادل نظر بین دولتها، کارکرد هماهنگی و کارکرد عملیاتی، بخش اول پررنگ تر، بخش دوم بصورت بی رمق و بخش سوم تقریباً فاقد کارکرد لازم است. اکوسوک در راستای ایجاد شرایط لازم برای تبادل نظر و تجربیات بین دولتهای عضو در حال حاضر سه کارکرد اصلی دارد: اجلاس سالانه وزرا و گزارش پیشرفت های توسعه ای در ارتباط با اهداف توسعه ای مصوب ملل متحد؛ دوسالانه فوروم عالیرتبه همکاریهای توسعه ای برای مرور روندها، استراتژی ها، سیاست ها و موضوع تامین مالی توسعه؛ و فوروم عالیرتبه سیاسی برای پیگیری و مرور پیشرفت های توسعه ای جهانی و نیز تحقق اهداف توسعه ای پایدار.
- اکوسوک بعنوان مبنای فعالیت صندوق ها، برنامه ها و آژانس های تخصصی و توسعه ای ملل متحد و نیز کمیسیون های تخصصی و کارکردی موضوعی و منطقه ای، در دستاوردهای این

دستگاهها شریک است ولی کمترین نقش را در مدیریت و جهت دهی به فعالیت آنها دارد. برخی از چالش های اصلی اکوسوک که مهمترین موضوع بحث این ارائه هستند، ذیل عناوین ذیل مطرح خواهند شد:

۳۱

- فقدان ظرفیت لازم برای تصمیم گیری در مورد خط مشی های توسعه اجتماعی و اقتصادی
- سیاستگذاری توسعه ای در عالی ترین و فراگیرترین رکن ملل متحد: مجمع عمومی
- پراکندگی در فعالیت های توسعه ای ملل متحد
- تامین مالی توسعه بعنوان اصلی ترین دلیل عدم انسجام
- مدیریت مستقل دستگاههای فعال ذیل چتر تشریفاتی اکوسوک
- ابتکار انسجام بخشی به فعالیت های توسعه ای خارج از چارچوب اکوسوک

نقش ارکان سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت از حقوق بشر

دکتر فاطمه محمدی^۱ / افشار سیفی نژاد^۲

در قرن بیستم، جهان پس از سپری کردن تجربیات بسیار تلخ، بویژه جنگ های جهانی اول و دوم، که خسارات و تلفات بی شماری را بر بشریت تحمیل نمود، با تأسیس «سازمان ملل متحد» در صدد برآمد تا گامی مؤثر به سوی تأمین صلح و امنیت بین المللی بردارد. از زمان تأسیس سازمان ملل متحد، ترویج و حمایت از حقوق بشر، همواره یکی از مهمترین نگرانی ها و زمینه های اصلی کار سازمان ملل متحد بوده است. همچنین در جهان امروز، تأمین صلح و امنیت رابطه مستقیمی با مسئله حقوق بشر و توسعه پایدار دارد. در گذشته تأمین امنیت در توانایی دفاع در مقابل تجاوز خارجی و استقرار نظم داخلی بود اما اکنون امنیت در صورتی برقرار می گردد که حقوق بشر، رفاه عمومی و حفظ محیط زیست و در واقع توسعه پایدار تحقق یابد. همچنین ابعاد وسیع قواعد بین المللی حقوق بشر و رشد نهادهای بین المللی مجری حقوق بشر موجب بین المللی گردیدن روز افزون مفاهیم حقوق بشری شده است و از آن جا که حقوق بشر قابلیت تفسیر موسعی دارد بالطبع حوزه های مختلفی را پوشش می دهد و اصل حاکمیت مستقل دولت ها و ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها را تحت الشعاع قرار داده است و مفاهیم حقوق بشری در تمامی گفتمان های سیاسی و حقوقی دولت ها مطرح می گردد. ظرفیت های مثبت و منفی بسیاری در مفهوم حقوق بشر برای کشورهای مختلف وجود دارد. از این روست که امروزه حقوق بشر به صورت یک عامل مؤثر در روابط بین الملل درآمده است و دولت ها در تنظیم روابط خود در این زمینه با محدودیت های بین المللی گاه به طور ناخواسته ای مواجهند. در دنیای معاصر، مسأله حقوق بشر به یکی از بحث های مستمر و جدی بین کشورها تبدیل شده است. در اکثر اجلاس های بین المللی، نشست های دو جانبه و چند جانبه، دیدگاه های کشورها نسبت به مسأله حقوق بشر رد و بدل می شود. گروه های جهانی، ملی و محلی، با ایجاد یک شبکه فشار و به کارگیری تبلیغات در جهت شرمسار سازی ناقضین حقوق بشر، موجب شده اند دولت ها نتوانند از زیر بار مسئولیت و جوابگویی در قبال مسائل مربوط به حقوق بشر شانه خالی کنند. ارزش این تبلیغات و کوشش

^۱ دکتری روابط بین الملل و استادیار مهمان دانشگاه علامه طباطبائی

^۲ کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان های بین المللی

برای شرمسار کردن دولت‌هایی که ناقض حقوق بشر هستند نباید ناچیز انگاشته شود. حتی دولت‌های خودسر نیز برای اعتبار خود در صحنه بین‌المللی اهمیت قائلند. علاوه بر این، اندیشه برخاسته از حقوق بشر دارای چنان نیروی اخلاقی و قدرت بسیج‌کننده‌ای است که در جهان امروز نمی‌توان در مقابل آن مقاومت کرد. لذا نوشتار پیش‌رو، تلاش دارد در سه قسمت به ماهیت حقوق بشر و سازکارهای ملل متحد در این ارتباط بپردازد.

واژگان کلیدی: سازمان ملل متحد، حقوق بشر، مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی اجتماعی، دبیرخانه، شورای حقوق بشر.

نقش شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در توسعه پایدار

اشرف السادات موسوی^۱

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به عنوان بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نهاد فرعی این سازمان، از طریق بحث درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی و توصیه‌ها درباره خط مشی، نقشی مهمی در جلب حمایت از همکاری بین‌المللی برای توسعه ایفا می‌کند. همزمان با نگاه رو به جلو جامعه جهانی و نقش این شورا در بررسی ساختار توسعه پایدار و برقراری ارتباط بین تعهدات بین‌المللی و اقدامات ملی؛ این نهاد مسوولیت مهم تر و سنگین‌تری از گذشته خواهد داشت. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی از نوع توصیفی-تحلیلی است که مسئله‌ی اصلی آن با این پرسش مطرح می‌شود:

-نقش شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در دستیابی اهداف توسعه پایدار چیست؟ به منظور پاسخ به پرسش مطرح شده، از روش متناسب با پژوهش استفاده شده است؛ به گونه‌ای که ابتدا اطلاعات مرتبط به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و تحلیل محتوا گردیده است. یافته‌های پژوهش حاکی است که با توجه به جایگاه مشورتی شورای اقتصادی و اجتماعی، این نهاد در اهداف جدید توسعه پایدار و تاثیر آنها در از بین بردن فقر، مبارزه با تبعیض و نابرابری و برنامه ریزی برای تغییرات اقلیمی نقش حیاتی دارد. به گونه‌ای که در ریو+۲۰، سران حکومت‌ها و دولت‌ها نقش کلیدی اکوسوک را در دستیابی به ترکیبی متوازن از سه وجه توسعه پایدار و ارتقای کارکرد شورا به عنوان بنیادی برای توسعه پایدار به رسمیت شناختند.

واژگان کلیدی: سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی، توسعه پایدار.

^۱. کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست از دانشگاه شهید بهشتی

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در بستر سیاست بین الملل

مجید رضا مومنی^۱

۳۵

سازمان ملل متحد از همان بدو تأسیس و آغاز حیات رسمی اش به عنوان یک سازمان بین المللی بین الدولی، پیش گیری از منازعه و جنگ میان دولت ملتها ترویج فرهنگ صلح و صیانت از آن در عرصه های منطقه ای و بین المللی، را سرلوحه عملکرد خود قرار داده است. معماران سازمان ملل متحد نه تنها به مقوله جنگ و صلح، اهتمام ویژه نموده اند، بلکه به دیگر ابعاد جامعه بشری نیز عنایت خاص داشته اند. در ساختار این سازمان، ارکان گوناگونی طراحی شده اند که هر یک متولی تحقق اهداف و آرمانهای خطیری هستند که نهایتاً در جهت نیل به یک جهان عاری از درگیری و تنش بیانجامد. لذا شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان اصلی این سازمان، مسئولیت رسیدگی و رصد حوزه های اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری را در ساختار سازمان ملل، عهده دار می باشد که در صول حیاتش اصلاحات کمی و کیفی را تجربه نموده است. سازمان ملل از نخستین سالهای تولدش شاهد و ناظر بر تحولات عمده ای در نظام بین الملل بوده است که هر یکی از این تحولات به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر به سزایی در بسیاری از تصمیم گیری ها و عملکردهای سازمان بر جای گذاشته و پیامدهای جدی را به همراه داشته است. از این روی، تمامی اصلاحات در پی تحولات نظام بین الملل و به منظور بهبود عملکرد این شورا مورد اجماع سازمان ملل واقع شده است. بنابراین سوال اصلی که در این پژوهش مطرح می شود این است که آیا شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در تحقق اهداف و انجام مسئولیتش فرای سیاست بین الملل موفق بوده است؟ فرضیه ای که در پاسخ به این سوال اساسی ارائه می گردد، این مهم است که شورای اقتصادی و اجتماعی ملل در گذر زمان سعی کرده است تا با ایجاد اصلاحات در حوزه ساختار و وظایفش منطبق با مقتضیات جامعه جهانی و تحولات نظام بین الملل، به خصوص پس از پایان جنگ سرد و ظهور جهانین شدن عمل نماید. اما این نهاد سازمان ملل متحد نیز مانند شورای امنیت، متأثر از رقابتهای اعضا سازمان و سیاست بین الملل بوده است. در این راستا، با عنایت به اهمیت یافتن روزافزون مسائل اقتصادی و فرهنگی در

^۱ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تعاملات بین المللی میان دولتها و جوامع بشری، استقلال عمل و هماهنگی منسجم بین ارکان سازمان ملل متحد از یکسو و ارکان اصلی به خصوص بین شورای اقتصادی اجتماعی و کارگزاریهای تخصصی و حضور فعال تر و رسمی سازمانهای مردم نهاد و جوامع مدنی از سوی دیگر امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. این پژوهش، با روش تبیینی تحلیلی و با کاربرد اطلاعات اولیه شامل اسناد، گزارشها و سخنرانی و داده های ثانویه شامل کتب و مقالات علمی موضوع مذکور را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهد.

واژگان کلیدی: شورای اقتصادی و اجتماعی، سازمان ملل متحد، جهانی شدن، نظام بین الملل، جامعه بشری، سیاست بین الملل

چالش های شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در تثبیت همکاری جهانی برای توسعه

دکتر امیرسعد وکیل^۱

۳۷

سال های اخیر، روزهای رنج کشیده ای از تبعات دامنه دار و غیررضایتبخشی را حکایت می کنند که فرایند جهانی شدن در حوزه های گوناگون با خود بدنبال آورده است. در زمینه اجتماعی، توهم ناشی از فواید جهانی سازی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رنگ باخته و در بخش اقتصادی، فرار سرمایه ها و کسری بودجه گسترده ناشی از بحران های مالی داخلی و بین المللی مشهود است. در حوزه محیط زیست هم هیچ اقدام مؤثری برای برخورد با معضل تغییرات اقلیمی و تخریب گسترده تنوع زیستی صورت نگرفته است و البته به این فهرست، بیش از این می توان افزود.

این مقاله درصدد تبیین نوع متمایزی از همکاری در سطح جهان برای تحقق آرمان اساسی توسعه بر مبنای سه هدف عمده است: مدیریت وابستگی متقابل حاکمیت ها، غلبه تدریجی بر عدم تقارن نظام اقتصادی جهانی حاکم و ارتقای توسعه جوامع انسانی. در این راستا ضمن بررسی اجمالی ماهیت این عدم تقارن نظام اقتصادی، مفهوم «تکالیف خاص اما متفاوت»، معرفی شده و به نقش شورای اقتصادی و اجتماعی در خصوص مسایل ویژه کشورهای در حال توسعه در چارچوب نظم جهانی پرداخته خواهد شد.

در این یادداشت، دستور کاری برای بهبود همکاری های اقتصادی و اجتماعی ارایه خواهد شد که در واقع، نمایی از چالش هایی را نشان می دهد که در برابر شورای اقتصادی و اجتماعی بمنظور پیشبرد مأموریت های خود و همچنین اهداف منشور ملل متحد، قرار گرفته اند. محورهای این دستور کار عبارتند از: ایجاد شبکه متراکم جهانی از کلیه بازیگران دولتی و غیردولتی در برنامه های توسعه، تضمین انسجام بهتر برای نظام تمرکز زدایی اقتصادی و اجتماعی در بستر ترتیبات جهانی موجود و تحقق مشارکت منصفانه کشورهای در حال توسعه در اداره امور جهانی در عین پاسخگویی مؤثر نسبت به تکالیف بین المللی.

^۱ مدرس دانشگاه و وکیل دادگستری

به این ترتیب، لازم است ضمن معرفی اهداف نوین همکاری بین المللی برای توسعه، به موارد عدم تقارن نظم جهانی پرداخت و آثار آن را بر همکاری جهانی برای توسعه مورد تحلیل قرار داد و در نهایت، به اصول و چالش هایی که برای استقرار ساختار جدید مدیریت امور جهانی در حوزه توسعه در پرتو همکاری بین المللی که به مأموریت عمده شورای اقتصادی و اجتماعی در نظام ملل متحد باز می گردد، اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، حاکمیت جهانی و شورای اقتصادی و اجتماعی.